

رونق تولید

تابلوی سیاسی

انعکاس آخرین تحلیل‌ها و مواضع رسانه‌ها و جریانها

BASIRAT.IR

آموزش تحلیل سیاسی / ده سؤال از رهبر انقلاب درباره برجام^(۵)

شما ملاحظه می‌کنید که بسیاری از تحریم‌ها برداشته نشده، حالا هم دارند تهدید می‌کنند که تحریم‌های چین و چنان را بر ایران تحمیل خواهیم کرد؛ همان تحریم‌های ثانویه‌ای را که با مصوبه‌ی برجام و با قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل برداشته شد، همان‌ها را دوباره می‌خواهند اینها برگردانند- هدف، این بود؟ ... ما مذاکره کردیم که تحریم برطرف بشود؛ شروع مذاکره برای این بود، ادامه‌ی مذاکره برای این بود؛ و این باید تأمین بشود؛ اگر این تأمین نشد، بقیه‌ی چیزهایی که حاصل شده، ارزش زیادی را نخواهد داشت.

۹۷/۳/۲

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۷۸۶ / دوشنبه ۳ تیر ماه ۱۳۹۸

نقطه عطف

صبح نو: با وجود گذشت حدود ۱۰ روز از دیدار نخست وزیر ژاپن به‌عنوان فرستاده ویژه دولت آمریکا به تهران، هنوز تحلیل‌ها درباب این دیدار مهم، در جریان است و اتفاق‌های متفاوت در حاشیه شمالی، جنوبی، شرقی و غربی خلیج فارس، از اهمیت آن نکاسته. ایران از هزاران سال قبل، دارای حکومت بوده و مشخصاً در عصر جدید (پس از افشاریه و زندیه)، با مدرنیته رودررو شده است. از همان ابتدا تا طلوع انقلاب اسلامی، هیچ مذاکره یا رویارویی‌ای در تاریخ نداریم که ایران در آن توانسته باشد در برابر فشار و هیمنه ابرقدرتی جهانی، سر بلند کرده و نه تنها مقابله کند، بلکه او را به هیچ گرفته و شایسته مبادله هیچ چیزی بداند. به تاریخ جنگ‌های ایران و روس نگاه کنید؛ ذلت حکومت شاهنشاهی را ببینید. در قضیه تصرف و محاصره هرات، زوال قدرت پادشاه وقت را که به توپ ترکیدنی، بخش شرقی کشور را به انگلیسی‌ها داد، به خاطر آورید. در دوره پهلوی‌ها، وضع از این هم بدتر بود؛ رضاخان قلدر، با مجرد ورود نیروی متخاصم، کشور را رها کرد و به جنوب گریخت و بعد به تبعید انگلیسی‌ها رفت؛ پسرش در تهران بود و اصلاً نمی‌دانست که روزولت و استالین و چرچیل کی آمده‌اند و چه می‌خواهند بکنند و کجا هستند؛ بعدترش بحرین را به لطایف‌الحیلی فروخت و نفت ملی را هم. این گزاره‌های تاریخی بسیار است؛ اما به گفت‌وگوی رهبری ایران با فرستاده ابرقدرت تهنای جهان تأمل کنید؛ جایی که جمهوری اسلامی حتی پیام ترامپ را شایسته پاسخ نمی‌داند. تاریخ را باید از نو نوشت و این نقطه عطف را برای همه تعریف کرد.

پشت پرده عقب‌نشینی ۱۰ دقیقه‌ای

جوان: پس از شلیک موشک پدافند هوایی ایران به پهپاد جاسوسی آمریکا، طرف‌ها به موضوعاتی پرداختند که جای بررسی و تحلیل دارد. اما آن چه بیش از همه مورد توجه قرار گرفت، عقب‌نشینی شبانه ترامپ از تصمیم واکنش هم‌تراز در قبال شکار پهپاد گلوبال هاوک و این ادعا که ۱۰ دقیقه قبل از حمله به سه سایت در ایران دستور توقف حملات را صادر کرده بود، است. فارغ از آن که در ایران چه خبر است یا ایران چه توان دفاعی درونی دارد که می‌تواند بر معادلات نظامی پنتاگون تاثیر بگذارد، عقب‌نشینی ترامپ از حمله به ایران موضوعی را پر اهمیت کرد که پیش از این مقامات کشورمان به آن به‌عنوان یکی از راهبردهای بازدارنده یاد می‌کردند. ترامپ مدعی است این حمله را به خاطر درمان‌نگه داشتن ۱۵۰ نفر از کشته‌شدن لغو کرد اما واقعیت تاریخ و واشنگتن در نبردها و عملیات‌های مختلف خلاف این ادعا را

نشان می دهد. به طور نمونه کشتار موگادیشو در اکتبر ۱۹۹۳ که به کشته شدن بیش از ۵۰۰ نفر و زخمی شدن بیش از ۸۰۰ نفر منجر شد، فقط یک عملیات ارتش آمریکا برای نجات یک سرباز خود بود! جنگی که آمریکا با دخالت مستقیم و غیر مستقیم موجب کشته شدن بیش از ۳۰۰ هزار سومالیایی شد و هیچ گاه برای این کشتار معذرت نخواست. به عبارت دیگر، واشنگتن تنها چیزی که برایش اهمیت ندارد، جان اهداف نظامی و غیر نظامی مقابل است. در همین عراق و افغانستان چند میلیون کشته و معلول باقی مانده از جنگ، به سبب تصمیم شبانه کاخ سفید بود که عقب آن دامن مقامات آمریکایی را گرفته است. اما سوالی که بالاتر طرح شد هنوز باقی است، چرا ترامپ ظرف ۱۰ دقیقه طرح گروه ب را رد کرد و به مشاورانش در پنتاگون اعتماد کرد؟ در واقع چرا طرح بولتون کنار رفت و ژنرال های آمریکایی برای راضی کردن ترامپ موفق بودند؟

پاسخ به این سوال ساده است، چندی قبل دبیر کل حزب ... لبنان به مناسبت روز قدس در سخنرانی به پنتاگون و مقامات امنیتی آمریکا هشدار داد که جنگ در غرب آسیا و علیه ایران، ابعادی فراتر از سرزمین کشورمان را درگیر خواهد کرد و شعله های آن تمام منافع واشنگتن را می سوزاند. اما این جنگ چه گستره ای دارد و ابزار بازدارنده تهران چیست؟ اگر بخواهیم سطح نفوذ راهبردی تهران را از شرق تا غرب بررسی کنیم، با نگاه به محیط پیرامونی ایران در می یابیم، تهران با همپیمانی راهبردی چه در حوزه امنیتی و چه در حوزه ایدئولوژیک، همراهی چون حزب ... را دارد که به خود کفایی نظامی و موشکی و توان بازدارندگی پایدار رسیده است. حزب ... به جایگاهی رسیده که به ادعان مقامات ارتش رژیم صهیونیستی جنگ با لبنان می تواند به پایان سرنوشت این رژیم منجر شود و دیگر با یک گروه سیاسی نظامی دهه اول قرن ۲۱ قابل مقایسه نیست. جنگ علیه ایران به طور حتم موجب انسجام در نیروهای محور مقاومت شده و از همه مهم تر، حزب ... لبنان است که در حمایت از تهران و برای مقابله با آمریکا وارد نبرد مستقیم می شود. نبردی که به حزب ... این اجازه را می دهد تا اهداف راهبردی را در رژیم صهیونیستی آماج موشک های نقطه زن خود کند و ترسی که تل آویو سال هاست با آن مواجه است، به واقعیت تبدیل شود. از سوی دیگر بیش از ۱۰۰ تیپ، لشکر و گردان مستقل در عراق در قالب حشدالشعبی و نیروهای مردمی عراق سازمان دهی شدند که بارها محبت و ارادت شان را به محور مقاومت و اسلام ناب نشان دادند.

بودجه هایی که حیف شد!

وطن امروز: وضعیت فعلی ایران امروز تابلویی رنگارنگ از نتایج ۶ سال اجرای این آزمایش سخت و ملی در ابعاد داخلی و بین المللی است. آقای روحانی و همفکرانش می گویند دستاورد مهم این آزمون نفسگیر این است که ما جام اخلاق را در فضای بین الملل بالای سر برده ایم! مسائلی از قبیل «آنچنان رونقی» را هم بهتر است به روی هم نیاوریم و خلاصه! در شرایط حساس کنونی لازم است وحدت ملی به سختی بتن های قلب رآکتور اراک، بلکه نفوذناپذیرتر باشد. در لزوم حفظ وحدت ملی و حمایت از دولت در شرایط فعلی شکی نیست ولی آیا دولت در مقابل، حداقل خود را متعهد به بهره گیری از نتایج آزمایشی که روی زندگی و کس و کار ما اعمال کرده، می داند؟! آیا با تمام این تفاسیر اگر کسی باز هم منتظر شکست ترامپ و مذاکره مجدد با دموکرات ها باشد، اساسا چیزی به نام «عقل» دارد و ما مجازیم مثلا به خاطر حفظ وحدت ملی سکوت کنیم؟! پاسخ طبعاً کاملاً منفی است!

سفر اخیر آقای روحانی به تاجیکستان و شرکت در اجلاس سیکا- پس از شرکت در اجلاس شانگهای- اما می‌تواند نویدبخش شروع اصلاح روند سراسر خسارت و اشتباه گذشته باشد. در دنیایی که سرعت تحولات سیاسی بعضاً تنه به سرعت پیشرفت‌های علمی-تکنولوژیک می‌زند، تکیه یکسویه بر غرب و کدخدا نامیدن یک کشور همانقدر اشتباه است که سیاه نامیدن رنگ ماست یا خاموش خواندن خورشید در روز! ما برای فهماندن این مسأله به روسا و تحلیلگران مرکز بررسی‌های استراتژیک ۶ سال هزینه، زمان و خون دل صرف کرده‌ایم. چندی پیش در همین جا نوشتیم «چین در سال ۲۰۱۴ با تاسیس «بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا»، عملاً استقلال خود از مدل‌های اقتصادی توصیه شده به وسیله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را اعلام کرد. روند کنونی تضعیف روزافزون اقتصاد آمریکا و معضلات اقتصادی ناحیه یورو، کارشناسان اقتصادی را به این نتیجه رسانده است که این نهاد مالی چینی در طول دهه‌های آینده، مرجعیت اقتصادی جهان را از موسسات آمریکاساز مانند بانک جهانی بازخواهد ستاند... آمریکا از ابتدای تاسیس این نهاد یکی از مخالفان سرسخت آن بود ولی حتی نتوانست مانع عضویت کشورهای متعدد اروپایی در این نهاد چینی شود. اکنون استرالیا، آلمان، فرانسه، سوئیس، انگلستان، اتریش، فنلاند، ایتالیا، هلند، نروژ، اسپانیا، پرتغال، سوئد و چند کشور کم‌اهمیت‌تر اروپایی، به‌رغم مخالفت شدید و صریح ایالات متحده، به این نهاد مالی پیوسته‌اند. بلژیک، کانادا، اوکراین و جمهوری چک نیز در حال طی مراحل پیوستن به این سازمان هستند.

اصلاح ساختار کشور

فارس: سخن بر سر این است که باید «دولت و مجلس» به‌عنوان متولیان و مسوولان اصلی قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی، مدیریت، نظارت و اجرای امور فارغ از مسائل حاشیه‌ای، سیاسی، باندى و صرفاً بر مبنای مصالح کشور، امر «اصلاح ساختار اداری و مدیریتی کشور» را مرتب نوبه‌نو، کارآمد و تأثیرگذار کنند.

نهادهای، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های متعددی در حوزه فرهنگی، هنری و تبلیغاتی مشغول به کار هستند که عمر برخی از آنها در دهه شصت به پایان رسیده بود؛ چراکه چستی، چرایی و ماهیت وجودی آنها در گرو مأموریت آنها در آن ایام بود؛ اما همچنان از بودجه عمومی کشور ارتزاق می‌کنند و فاقد کمترین اثرگذاری در «جریان‌سازی فرهنگی» کشور هستند.

چندی قبل فهرست بیش از ۷۰ دستگاه، نهاد، تشکل، مؤسسه و... منتشر شد که از بودجه عمومی کشور در حوزه فرهنگ، هنر و تبلیغات فعالیت می‌کنند. با نیم‌نگاهی به آنها، نیمی از آنها قابلیت ادغام یا انحلال دارند؛ اما کسی به فکر اصلاح و چاره‌اندیشی نیست. ما باید ساختارهایی منعطف، چابک، کارآمد، جریان‌ساز و تأثیرگذار با شرح وظایف و مأموریت‌های مشخص و تعریف‌شده و درعین حال، پاسخگو داشته باشیم.

اینکه نهادها و دستگاه‌های عریض و طویل و پرهزینه‌ای در کشور بیش از پنج میلیون در خانواده بزرگ دولت و سایر قوا درست کرده‌ایم و بخش اعظم بودجه جاری کشور را به حقوق و مزایای آنان اختصاص داده‌ایم و همه از ناکارآمدی آنها نالان و معترض هستند، در همین مسأله ریشه دارد. دولت باید خود پیشگام تحول و اصلاحات باشد و در هر جا که ضروری می‌داند، امر «کوچک‌سازی» را آغاز کند در هر جا ایجاد نهادی را لازم می‌بیند، با ذکر دلایل مستدل، علمی و توجیه‌پذیر و هماهنگی با مجلس و سایر نهادها اقدام کند. دولت‌ها هم شعار «کوچک زیباست» را می‌دهند؛ اما حاضر نیستند «وجبی از امپراتوری آنها کاسته شود» و هر دولت خود نخستین مقاومت‌کننده در برابر تغییرات است و معلوم نیست بالاخره این هزینه‌های کشور چگونه و تا کی باید صرف تشکیلات دیوان‌سالار ناکارآمد شود؟ واقعیت آن است که

در نهادهای بالادستی نیز وضع همین‌طور است. شورای عالی فضای مجازی و شورای عالی انقلاب فرهنگی چه دستاوردهایی داشته‌اند؟ تأثیر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های آن‌ها در حوزه اجرا چگونه بوده است؟ چرا دولت‌ها در اجرای آن‌ها مقاومت می‌کنند؟ در دولت کنونی کار به جایی رسیده که حتی رییس‌جمهوری که ریاست شوراهای عالی کشور را برعهده دارد، ضرورتی بر تشکیل آن‌ها نمی‌بیند.

کشور وزارت تولید می‌خواهد، نه وزارت واردات

الف: یا مسئولین راه را گم کرده‌اند و یا نفوذی‌ها از تابلوهای غلط برای نشان دادن مسیر استفاده می‌کنند و اوضاع را به گونه‌ای جلوه می‌دهند که انگار در مواجهه با مشکلات چاره دیگری وجود ندارد جز آنکه یک روز تأمین آب خوردن مردم را به برجام گره بزنیم و روز دیگر، سرنوشت اقتصاد کشور را با FATF مرتبط بدانیم، یک روز از محدودیت اختیارات بگوییم و روز دیگر از ضرورت احیاء مجدد وزارت بازرگانی و امثال آن سخن برانیم. این در حالی است که بسیاری از صاحب‌نظران عرصه اقتصاد معتقدند، مشکل تأمین کالا و خدمات، نه‌تنها با تفکیک دو بخش تولید و تجارت برطرف نمی‌شود، بلکه با احیاء وزارت بازرگانی (که در تعارض کامل با سیاست کوچک‌سازی دولت است)، موازنه واردات و صادرات به زیان تولید بر هم خواهد خورد و با افزایش واردات، بخش تولید با رکود بیشتری مواجه خواهد شد.

در واقع فقدان «وزارت بازرگانی» که این روزها از آن به‌عنوان «وزارت واردات» نام برده می‌شود، مشکل اصلی تأمین و توزیع نیست، بلکه این عدم شایسته‌سالاری و ناکارآمدی سیستم اداری، نقصان قوانین و مقررات، خودباختگی و عدم اعتماد مسئولین به نخبگان و متخصصین ایرانی، سنگ‌اندازی عوامل اجرایی در حمایت از تولیدکنندگان، عدم همراهی بانک‌ها برای سرمایه‌گذاری در بخش تولید، ضعف سیستم کنترلی و نظارتی و امثال آن است، که به آفتی برای تأمین و توزیع عادلانه کالا در کشور تبدیل شده‌اند.

قطعاً در صورت برنامه‌ریزی درست و سیاست‌گذاری صحیح از سوی دولت محترم، واردکنندگان (تجار) متعهد و زیرک ایرانی می‌توانند، همچون گذشته در چارچوب ضوابط مورد اشاره به راحتی نیازهای ضروری کشور را حتی در شرایط سخت‌تر، تأمین و حتی به شکل عادلانه و منطقی در سطح کشور توزیع نمایند. البته انجام اقداماتی نظیر؛ اولویت به تجارهای همسایه، ایجاد ۴ یا ۵ نقطه آمادی منطبق با طرح آمایش سرزمینی در نقاط مختلف کشور و اجتناب از تمرکز ذخیره و توزیع کالا در تهران یا هماهنگی با اصناف و سایر موارد مشابه نیز می‌تواند، به تسهیل و تحقق این خواسته کمک نماید.

